

راه های تشویق به نماز

استاد:

جناب آقای استاد کمیلی

دین پژوه:

الناز عرفانیان نیازکاران اخوت

بهار ۹۵

فهرست

۳	مقدمه
۴	چکیده
۵	فصل اول نماز
۶	معنا و مفهوم نماز
۶	واژه شناسی نماز
۶	وجه نامگذاری نماز
۶	نماز در ادیان گذشته
۷	توجه ویژه خداوند به نماز
۷	نماز در قرآن و حدیث
۹	فصل دوم اهمیت نماز
۱۱	آداب نماز و آثار تربیتی آن
۱۲	معانی بلند عبارات و الفاظ نماز
۱۳	آثار فردی و اجتماعی نماز
۱۳	آثار و عواقب ترک نماز
۱۴	فصل سوم جایگاه نماز در سیره معصومین علیهم السلام
۱۶	احادیث گفته شده درباره نماز
۱۹	فصل چهارم اصول و قواعد کلی در دعوت به نماز
۲۰	۱ - استمداد از خدا
۲۰	۲ - تداوم و تکرار دعوت
۲۱	۳ - آسان گیری
۲۲	۴ - تقویت جرئت و شهامت
۲۲	۵ - ساده کردن امور
۲۲	۶ - موضوع شناسی
۲۲	۷ - تکریم و هویت بخشی
۲۳	۸ - توجه به نشاط و آمادگی مخاطب
۲۴	فصل پنجم راهکارهای عملی تشویق به نماز
۲۵	جهت سنین (۷-۱۲) ساله ها یا کودکان
۲۵	جهت سنین (۱۳-۱۹) ساله ها یا نوجوانان
۲۵	جهت سنین جوانی (۲۰-۳۰) ساله ها
۲۶	پدر و مادرها الگو هستند
۲۶	فرصت مناسب جهت تقویت ایمان در فرزندان
۲۹	هشدار تربیتی
۳۰	کودکان از چه زمانی و چگونه نماز بخوانند؟
۳۰	راه های تشویق جوانان به نماز
۳۲	چگونه می توانیم با نماز انس بگیریم؟
۳۳	نماز و نجات جوانان
۳۳	آسیب ها و موانع دعوت
۳۴	نتیجه گیری
۳۵	منابع

مقدمه

نماز محکم ترین رشته ی الفت بین بندگان و خداست و وای بر کسی که از این پیوند پرفسای الهی جداست و زندگیش از نور این عبادت پر قیمت بی بهره است. نماز واقعیتی است که خداوند مهربان از باب عشق و محبت از انسان خواسته و نورانی ترین حکم در شبستان حیات بندگان شایسته ی الهی است.

با وجود آثار و برکات نماز در زندگی دنیوی و اخروی انسان ها، مشاهده می کنیم که برخی از افراد به خصوص جوانان پاکی که هنوز وارد آلودگی های این دنیا نشده اند نسبت به انجام این فریضه ی الهی کوتاهی می کنند و بی رغبت هستند. باید ریشه های این بی رغبتی و عدم علاقه به نماز را شناخت. با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام در زمینه ی نماز در می یابیم که ریشه ی آموزش نماز و علاقه مندی به آن متوجه پدر و مادر ها می شود. چنانچه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است: "وامر اهلک بالصلوه واصطبر علیها"؛ ای پیامبر! خاندان خودت را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش. این نکته اختصاص به پیامبر ندارد بلکه همه ی ما به این امر موظف هستیم. مبانی ایمانی و تعلیم اسلامی برای کودکان، به اندازه ای مورد توجه است که "روایت شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عده ای از کودکان را دید و فرمود: وای بر کودکان آخر الزمان؛ از دست پدرانشان! گفته شد: ای رسول خدا، از دست پدران مشرک آنان؟

فرمود: نه، از دست پدران مومن آنها! پدرانی که چیزی از واجبات را به آنان یاد نمی دهند و اگر آن فرزندان چیزی از واجبات را فراگیرند، آنان را منع می کنند! ولی به اندک چیزی از دنیا از آنها خشنود می شوند! من از چنین پدرانی بیزارم."

کودکانی که از اول با ایمان به خدا تربیت می شوند اراده ی قوی و روانی نیرومندی دارند، از دوران کودکی رشید و باشهامت هستند و آثار درخشان ایمان از خلال گفتار و رفتارشان به خوبی مشهود است.

چکیده

نماز یک کلاس تربیتی است که با آموزش آن به فرزندان خود و این جامعه می توان در امر تربیت آنها پیشرفت بسزایی داشت. زیرا در بطن نماز مفاهیم والایی از بندگی نهفته است که با انجام این فریضه می توان به آنها دست یافت. اولین محل تربیتی کودکان خانواده است بنابراین پدر و مادر مهمترین وظیفه شان را که تربیت صحیح و دینی است باید همراه با محبت و بدون سختگیری های نا به جا به آنها تعلیم دهند. در کنار خانواده مربیان و معلمان در مدارس نیز وظیفه آموزش این مفاهیم را بر عهده دارند که با به کار گیری روش های جذاب و متنوع و متناسب با علایق آنان می توانند در فضای محبت آمیزی مفاهیم دینی از جمله نماز را به آنان آموزش دهند. یکی از راه های علاقه مند سازی کودکان و جوانان به نماز تشویق آنها است. نکته دیگر که باید به آن توجه داشت اینکه در آموزش نماز تنها به واجبات بپردازیم زیرا امروزه، به خصوص جوانان به دنبال آموزش های کوتاه و آسان هستند. بنابراین توجه به اخلاقیات و علایق آنان نقش موثری در موفقیت آموزش ها خواهد داشت. در رابطه ی آموزش نماز می توان از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام کمک گرفت که در مقاله حاضر به بیان برخی از آنها پرداخته شده است.

فصل اول نماز

معنا و مفهوم نماز

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرایض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج بار در شبانه روز به جا می آورند. نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرود آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام. نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است. نماز، رابطه معنوی مخلوغ با خالق است. نماز یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح، یعنی پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن.

واژه شناسی نماز

"نماز" واژه قرآنی آن "صلاة" و جمع آن "صلوات" است، "صلاة" در اصل به معنای دعاء است که در بعضی از آیات قرآن به همین معنی آمده است. در آیاتی همچون: توبه/آیه ۱۰۳، احزاب/آیه ۵۶، بقره/آیه ۱۵۷.

وجه نامگذاری نماز

وجه نامگذاری نماز به صلاة از باب اطلاق جزء به کل است یعنی نماز شامل دعاء هم هست.

نماز در ادیان گذشته

نماز از عباداتی است که هیچ شریعتی از آن خالی نبوده، هر چند که گونه های آن بر حسب شریعت های مختلف فرق داشته است.^۲

به دلیل این که حضرت ابراهیم علیه السلام بر پاداری نماز را هم برای خودش و هم برای فرزندش از خدای متعال طلب نمود:

« رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي...»^۳

« پروردگارا! مرا به پا دارنده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز)...»
و حضرت عیسی علیه السلام در گهواره از آن سخن گفت:

« وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۴

« و تا زمانی که زنده ام مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.»

جمله "و اوصانی بالصلاة و الزكاة..." اشاره به این است که در شریعت عیسی علیه السلام نماز و زکات تشریح شده است.^۵

^۱ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ماده «صلى».

^۲ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۹۱.

^۳ ابراهیم: آیه ۴۰.

^۴ مریم: آیه ۳۱.

^۵ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۴۷.

توجه ویژه خداوند به نماز

نماز در بین عبادات از امتیاز خاصی برخوردار است، خدای سبحان در آغاز دریافت وحی حضرت موسی علیه السلام ضمن اشاره به معارف کلی دین، نماز را انتخاب کرده و می فرماید:

«...أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِي»^۶

«...نماز را برای یاد من بپا دار.»

از این آیه دو نکته روشن می شود:

۱. نماز اختصاص به شریعت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله ندارد.

۲. اقامه نماز باید برای یاد خدا باشد.^۷

نماز در قرآن و حدیث

نماز، بزرگ ترین عبادت و مهم ترین سفارش انبیا است. لقمان حکیم پسرش را به نماز توصیه می کند.^۸ حضرت عیسی علیه السلام در گهواره فرمود: خدایم مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.^۹ حضرت ابراهیم علیه السلام همسر و کودک خویش را در بیابان های داغ مکه آن هنگام که هیچ آب و گیاهی نداشت، برای به پا داشتن نماز مسکن داد.^{۱۰} پیشوایان معصوم - علیهم السلام - هنگام نماز رنگ می باختند.

گرچه بعضی نماز را به خاطر بهشت یا ترس از عذاب جهنم می خوانند، اما حضرت علی علیه السلام نه برای تجارت و ترس از آتش، بلکه به خاطر شایستگی خدا برای عبادت نماز می خواند.^{۱۱}

نماز، اهرم استعانت در غم ها و مشکلات است. خداوند می فرماید:

از صبر و نماز در مشکلات کمک بگیرید و بر آنها پیروز شوید. نماز به منزله پرچم و نشانه مکتب اسلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: (علم الاسلام الصلوه).

نماز به منزله سر نسبت به تن است.

و همچنین می فرمایند: (موضع الصلاه من الدین کموضع الراس من الجسد).^{۱۲}

نماز برای اولیای خدا شیرین و برای غیر آنان دشوار و سنگین است.

قرآن می فرماید: « وانها لکبیره الا علی الخاشعین ».^{۱۳}

در اهمیت نماز همین بس که حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین و امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا دست از جنگ کشیدند و به نماز ایستادند. و آنگاه که به علی علیه السلام ایراد گرفتند که چه هنگام نماز است؟ ایشان فرمود: ما برای همین می جنگیم تا مردم اهل نماز باشند.

در زیارت نامه وارث می خوانیم: (اشهد انک قد اقمت الصلوه؛ شهادن می دهم که تو نماز را بر پا داشتی).

^۶ طه: آیه ۱۴.

^۷ جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۶ ش، ج ۷، ص ۱۳۰.

^۸ لقمان: آیه ۱۷.

^۹ مریم: آیه ۳۱.

^{۱۰} ابراهیم: آیه ۳۷.

^{۱۱} نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

^{۱۲} نهج الفصاحه، روایت ۳۰۷۵.

^{۱۳} طه: آیه ۱۴.

- حضرت علی علیه السلام درباره نماز بارها سخن به میان آورده که در اینجا به چند نمونه اشاره می کنیم.
- أ. درباره برکات نماز می فرماید: فرشتگان، آنان را در بر می گیرند و آرامش بر آنان نازل می شود، درهای آسمان بر آنان گشوده و جایگاه خوبی برایشان آماده می شود.^{۱۴}
- ب. در خطبه ۱۹۶ نهج البلاغه گوشه هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را برمی شمارد و آنگاه می فرماید: نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشم ها را خاضع و خاشع می گرداند، نفس سرکش را رام و دل ها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند.
- ج. همچنین در نامه ای به محمد بن ابی بکر می نویسد: نماز را در وقت معین آن به جای آور و به خاطر آسوده بودن از کار نماز، پیش از وقت معین آن را برپای مدار و آن را واپس مینداز.^{۱۵}

^{۱۴} نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۱۳.

^{۱۵} همان، نامه ۲۷.

فصل دوم اهميت نماز

اهمیت نماز

(۱) نماز از واجبات الهی است:

« إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا »^{۱۶}

« نماز، وظیفه ثابت و معین برای مومنان است. »

"کتابت" کنایه است از واجب بودن و واجب کردن، پس طبق این آیه، نماز بر مؤمنان نوشته و واجبی است دارای وقت.^{۱۷}

(۲) برپاداری نماز از صفات مومنان حقیقی است: توبه/آیه ۷۱، ابراهیم/آیه ۳۱، لقمان/آیه ۳.

« الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ »^{۱۸}

« آنها که نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند. »

(۳) محافظت از نماز، نخستین نشانه عملی تقوا و معاد باوری است:

« ... وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ »^{۱۹}

« ... آنها که به آخرت ایمان دارند و به آن (قرآن) ایمان می آورند و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند »

تا آنجایی که به پای بندی نماز در میدان جنگ تأکید شده است.^{۲۰}

(۴) نماز، نخستین نشانه حکومت صالحان در روی زمین است:

« الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ... »^{۲۱}

« کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیم، نماز را برپا می دارند... »

(۵) نماز بازدارنده از زشتی ها و بدی ها:

« ... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنْ الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ... »^{۲۲}

« ... و نماز را برپادار، که نماز (نماز) را از زشتی ها و گناه باز می دارد... »

سیاق آیات شاهد بر این است که منظور از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است.

البته بازداری آن به نحو اقتضاء است نه علیت تامه، که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند؛ یعنی نمازی که

بارعایت آداب و شرایط مطلوب شرع، انجام یافته قدرت بازدارنده گی از گناه را دارد، به شرطی که خود شخص اراده بر

انجام گناه نداشته باشد.^{۲۳ ۲۴}

^{۱۶} نساء: آیه ۱۰۳.

^{۱۷} المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۳.

^{۱۸} انفال: آیه ۳.

^{۱۹} انعام: آیه ۹۲.

^{۲۰} نساء: آیه ۱۰۲.

^{۲۱} حج: آیه ۴۱.

^{۲۲} عنکبوت: آیه ۴۵.

^{۲۳} المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۳۳.

^{۲۴} ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹۸.

آداب نماز و آثار تربیتی آن

- شرایط و آداب نماز به قدری زیاد است که تمام نظام ها و روابط انسانی را به طور خودکار تنظیم و اصلاح می کند. توجه به همه آثار تربیتی نماز کار مشکلی است؛ در اینجا چند نمونه آن را بیان می کنیم:
۱. ادب در برابر سخن امام جماعت؛ در نماز جماعت وقتی امام مشغول خواندن حمد و سوره است باید ساکت باشیم.
 ۲. مراعات حقوق دیگران؛ آب وضو، مکان نمازگذار و لباس او باید حلال و از مال دیگران و غصبی نباشد؛ حتی اگر از مال خمس نداده لباس تهیه کند، نمازش باطل است.
 ۳. تغذیه و بهداشت نمازگذار؛ اگر نمازگذار از مشروبات الکلی استفاده کرده باشد، تا چهل روز نمازش مورد قبول نیست. لباس نمازگذار نیز باید پاک باشد و بهتر است به هنگام نماز عطر و مسواک زد و موها را شانه کرد.
 ۴. همسرداری؛ کسی که به همسر خود نیش بزند، نمازش قبول نیست.
 ۵. ولایت؛ کسی که اهل نماز است ولی تسلیم طاغوت ها است و ولایت و حکومت رهبران اسلامی را پذیرا نیست، نمازش قبول نیست؛ گرچه تمام عمر در کنار کعبه باشد.
 ۶. نظم و ترتیب؛ در تمام کلمات و کارهای نماز نظم و ترتیب به چشم می خورد.
 ۷. انعطاف و هم آهنگی؛ امام جماعت باید با مردم هم آهنگ باشد؛ به این معنا که مراعات ضعیف ترین افراد را بکند. اگر کسی دیر به جماعت رسید، امام باید کمی رکوع خود را طول بدهد تا او نیز به نماز برسد. مردم نیز باید خود را با امام هم آهنگ کنند؛ مثلاً کسانی که یک رکعت از نماز جماعت عقب هستند و در رکعت دوم به جماعت پیوسته اند، می توانند با نوعی انعطاف و تغییر در نماز جماعت شرکت کنند.
 ۸. اعتماد؛ اگر هر یک از امام یا مردم در انجام قسمی از نماز شک کردند، باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ یعنی با توجه به رفتار دیگری تصمیم بگیرند.
 ۹. ورزش؛ اگرچه نماز برای انجام وظیفه الهی است، ولی طراحی آن طوری است که در لا به لای نماز و حرکات رکوع و سجود یک نوع حرکت ورزشی نیز نهفته است.
 ۱۰. آموزش اجباری؛ نمازگذار باید مسائل و احکام مورد نیاز خود فراگیرد.
 ۱۱. آگاهی از اخبار؛ مردم با شرکت در نماز جمعه و جماعت با اخبار و مسائل دینی و مشکلات مسلمانان آشنا می شوند.
 ۱۲. امر به معروف و نهی از منکر؛ (حی علی الصلوه) در اذان یکی از بزرگ ترین معروف ها است.

معانی بلند عبارات و الفاظ نماز

نمازگذار با گفتن (الله اکبر) اُبّهت همه ابر قدرت ها را می شکند و خط بطلان بر همه قدرت های طاغوتی، وسوسه های ابلیس و جاذبه های مادی می کشد.

با گفتن (بسم الله) به کار خود قداست و کرامت می دهد و در خود توکل و وابستگی به قدرت غیبی را ایجاد می کند و به دنیا اعلام می کند قدرتی که من به او پناه آورده ام، سرچشمه مهربانی ها است.

با (الحمدالله) گفتن خود را از اطاعت کردن و بله قربان گفتن انسان های سفله و پست رها می کند.

با (رب العالمین) قدرت خداوند را بر تمام جهانیان حاکم می داند.

با (الرحمن الرحیم) تمام هستی را از آن خدا معرفی می کند. به عبارتی بیان می کند که نه تنها نعمت های مادی خداوند ما را احاطه کرده بلکه نعمت های معنوی خداوند نیز ما را فرا گرفته است.

با گفتن (مالک يوم الدين) مسیر و آینده را مشخص می کند و یاد روز سخت دادرسی را در دل زنده می کند.

تا اینجا، نمازگذار زمینه برای اظهار بندگی و ابراز نیاز و مدد خواهی از خدا را فراهم می کند و بعد از این مرحله با درک عظمت خدا و رحمتش و ابراز نیاز خویش می گوید: (ایاک نعبد و ایاک نستعین) تنها مطیع امر تو هستیم نه غلام حلقه به گوش جباران و تنها از تو یاری می طلبیم.

با گفتن (اهدنا الصراط المستقیم) از خدا طلب هدایت می کند، چرا که با پیمودن این راه او به تمام هوس ها و افراط و تفریط ها و وسوسه های شیطانی پشت پا می زند.

با گفتن (صراط الذین انعمت علیهم) الگوها را مشخص می کند.

با (غیر المغضوب علیهم ولا الضالین) به گروه های انحرافی که انسان های پاک را اغفال می کنند، هشدار می دهد.

با رکوع در برابر عظمت پروردگار، اظهار بندگی و اطاعت می کند و فروتنی و تواضع و خضوع خود را در برابر عظمت پروردگار نشان می دهد.

با سجده، تذلل و اظهار کوچکی و خاکساری در برابر خدا را نمایان می سازد.

ذکر مقدس (سبحان الله) که در تمام عبادت ها به چشم می خورد، حقیقتی را در بر دارد که ریشه در همه عقاید و تفکرات صحیح اسلامی دوانده است و زیر بنای انسان با خدا و صفات کمال او است، روح تعبد و مغز عبادت، همان تسبیح است. توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد بر اساس تسبیح خدا و منزّه دانستن او از عیوب و کمبودها است. توحید خالص جز با منزّه دانستن پروردگار از شریک و شبیه و عیب و عجز محقق نمی شود.

آثار فردی و اجتماعی نماز

نماز تاثیر بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی فرد دارد. در اینجا برخی از آن را بیان می‌کنیم. نمازگذار در مقایسه با کسی که نماز نمی‌خواند، احساس آرامش بیشتری دارد. هنگامی که از طریق نماز، روح خود را به معراج می‌فرستد و با خدا و نام او پیوند می‌دهد، احساس عزت و قدرت می‌کند و از هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌ترسد.

نمازگذار هیچگاه چشمش را به چیزهای حرام آلوده نمی‌کند و نمی‌گذارد هوس‌های زودگذر و وسوسه‌های شیطانی روح و ذهنش را مشغول کند. در مقابل، دامن‌گیری مفسد، جاذبه‌های آلوده موجود در اجتماع، زلف‌ها و بدن‌های عریان، صحنه‌های بد آموز و تحریک‌کننده، موسیقی و نغمه‌های حرام چنان پرده‌ای بر دل‌های افراد بی‌نماز می‌کشند که آنان را توان مشاهده و ارتباط با ظرایف و لطایف و معنویت نیست. در جهان امروز که لجام گسیختگی فرهنگی به طور فزاینده‌ای سلامت و امنیت جانی بسیاری از جوامع را به مخاطره انداخته است و همه روزه شاهد طغیان و عصیان گروه‌های مختلف مردم به ویژه نوجوانان و جوانان هستیم، کیست که فریادرس این مردم باشد؟! آیا چیزی جز نماز و توکل و امدادهای غیبی خداوندی می‌تواند ناجی این افراد از منجلاب این گناهان عظیم شود و آنها را از سقوط به درّه نیستی و فلاکت باز دارد؟

آثار و عواقب ترک نماز

ترک نماز در دنیا و آخرت عواقب تلخی دارد. در قیامت، اهل بهشت از دوزخیان می‌پرسند: چه چیزی شما را روانه جهنم کرد؟ یکی از پاسخ‌هایش این است که ما پای بند به نماز نبودیم.^{۲۵} در جایی دیگر به نمازگذارانی که در نمازشان سهل‌انگاراند؛ یعنی گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند، می‌گوید: وای بر آنان.^{۲۶} رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من ترک الصلوة متعمدا فقد کفر»؛ «هر که عمداً نماز را ترک کند، از اسلام خارج شده و کافر است.»

در جایی دیگر می‌فرماید: «بین العبد و بین الکفر ترک الصلوة»؛ «مرز بین بنده خدا و کفر، ترک نماز است.»^{۲۷} هیچ انسان با وجدان و متفکری نیست که از ابعاد و اسرار و ظرایف نماز آگاه باشد ولی از کنار آنها بی‌اعتنا رَد می‌شود، مگر کسانی که به خاطر غفلت و بی‌خبری، توفیق سخن گفتن با خداوند را از خود سلب کرده‌اند.

^{۲۵} مدثر: آیه ۴۳.

^{۲۶} ماعون: آیه ۴.

^{۲۷} نهج الفصاحه، روایت ۱۰۹۸.

فصل سوم جایگاه نماز در سیره معصومین علیهم السلام

جایگاه و اهمیت نماز در سیره معصومین علیهم السلام

رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنان به نماز علاقه داشت که می فرمود: "من هرگز از نماز سیر نمی شوم" و در جایی دیگر می فرمود: "همانا خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود." آن حضرت هنگامی که به نماز می ایستاد چنان بی حرکت می شد که گویا جامه ای پهن شده بر روی زمین بود. و با این که بی گناه بود اما از خوف خداوند چنان در نماز می گریست که جانمازش خیس می شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر به نماز می ایستاد تا پاهایش متورم می شد. به آن حضرت گفتند: ای رسول خدا! مگر خدا گناهان گذشته و آینده تو را نیامرزیده است؟ فرمود: آیا نباید خدای را بر آنچه انعام فرموده و ما را بدان آزمود سپاسگزار باشم؟

امیرالمومنین علی علیه السلام در محراب نماز

در حالات حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز چنین نقل کرده اند که چون وقت نماز فرا می رسید، علی علیه السلام به خود می پیچید و می لرزید، به او می گفتند: ای امیرالمؤمنین! تو را چه شده است؟ می فرمود: وقت ادای امانتی شده است که خداوند آن را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کرده و آنها از قبول آن ابا کردند و از آن بیمناک شدند.

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و محراب نماز

حضرت زهرا سلام الله علیها مانند پدر گرامی شان آن قدر به نماز می ایستاد که پاهایش ورم می کرد. پیامبر خدا صل الله علیه و آله در وصف عبادت آن حضرت فرموده است: و اما دخترم فاطمه سلام الله علیها سرور زنان عالم از اولین و آخرینشان است، تا اینکه فرمود: هرگاه او در محرابش در برابر پروردگار خویش به نماز می ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان آن چنان می درخشد که مانند ستارگان برای اهل زمین می درخشد. آن گاه خداوند عزوجل به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگانم! به کنیزم و سرور کنیزم فاطمه سلام الله علیها بنگرید که در برابرم ایستاده است و از ترس من، بدنش می لرزد و با تمام وجودش به عبادتم برخاسته است. من شما را گواه می گیرم که شیعیانش را از دوزخ در امان دارم.

آداب و کیفیت نماز امام حسن علیه السلام

آن حضرت به هنگام نماز، بهترین جامه اش را می پوشید. وقتی از او سوال می کردند چرا بهترین لباس های خود را برای نماز پوشیده می فرمود: "إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ؛ خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد"، سپس به این آیه قرآن کریم استناد می فرمود که: "خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ"، زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید!" و هنگامی که به نماز می ایستاد تن مبارکش می لرزید.

امام حسین علیه السلام و نماز ظهر حماسه عاشورا

امام حسین علیه السلام عصر نهم ماه محرم امام حسین علیه السلام به برادرش عباس فرمود: "اگر بتوانی لشکر دشمن را از جنگ منصرف کنی، چنین کن تا مگر امشب به درگاه پروردگارتان نماز بخوانیم، زیرا او می داند که من نماز و تلاوت قرآن را دوست دارم." و فردای آن روز در بدترین شرایط جنگ ظهر عاشورا هنگامی که ابوتمامه صیداوی وقت نماز رابه امام حسین علیه السلام تذکر داد، امام در حق او بهترین دعا را کرد و فرمود: « نماز را به یادآوری، خداوند تو را از نمازگزاران یادآور قرار دهد» سپس به اقامه نماز پرداختند.

نماز امام سجاده علیه السلام، معصومی که بسیار سجده می کرد

امام چهارم شیعیان در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و هنگامی که به نماز می ایستاد، رنگ صورتش تغییر می کرد و همانند بنده ذلیل، در برابر خدا می ایستاد، و از ترس می لرزید و نمازش همیشه نماز وداع بود؛ آن چنان که گویی بعد از آن نمازی نخواهد خواند.

روزی در حالی که مشغول نماز بود عبا از شانه مبارک ایشان افتاد، ولی حضرت توجهی نکرد، وقتی از نماز فارغ شد یکی از اصحاب عرض کرد: عباي شما از شانه تان افتاد و شما بدون توجه نماز خود را دنبال کردید، آن حضرت فرمود: وای بر تو! می دانی در برابر چه کسی ایستاده بودم؟ چنین فکری مرا از توجه به عبا منصرف ساخته بود.

امام صادق علیه السلام، معبود را در برابر می دید

آن حضرت هنگامی که به نماز می ایستاد، رنگ صورتش گاهی قرمز و گاهی زرد می شد و چنان نماز می گذارد مثل این که با کسی که با چشم او را می بیند مناجات می کرد.

احادیث گفته شده درباره نماز

➤ نجوای نمازگذار

حدیث قدسی: یقول الله تعالی: المصلی یناجینی نمازگذار (هنگام خواندن نماز با من) نجوا می کند.^{۲۸}

➤ نماز و شست و شوی گناهان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: « لو کان علی باب دار احدکم نهر واغتسل فی کل یوم منه خمس مرات اکان یبقی فی جسده من الدرن شیء؟ قلت: لا. قال: فان مثل الصلاه کمثل النهر جاری كلما صلی صلاه کفرت ما بینهما من الذنوب.» اگر باشد در کنار خانه شما نهری و در آن روز پنج نوبت خود را شست و شو دهید، آیا در بدن شما چیزی از آلودگی ها می ماند؟ هرگز! (انسان از آلودگی پاک می شود). نماز نیز مثل نهر جاری و روانی است که هرگاه بر پا می شود گناهان را می شوید و از بین می برد.^{۲۹}

➤ نماز، وسیله شفا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: « قم فصل فان فی الصلوة شفاء.» برخیز نماز به جا آور! پس همانا در نماز شفا است.^{۳۰}

➤ کفاره گناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: « الصلوة کفاره الخطایا ثم قرا: " ان الحسنات یدھبن السیئات." نماز کفاره گناهان می باشد. سپس آن حضرت این آیه را خواند که: " حسنات سیئات را از بین می برد."^{۳۱}

➤ تاثیر دو رکعت نماز مقبول

امام صادق علیه السلام: « من قبل الله منه صلاة واحدة لم یعذبه.»

^{۲۸} کلمه الله، ص ۲۵۵.

^{۲۹} وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷.

^{۳۰} جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۲۸.

^{۳۱} تفسیر ابو الفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۴۸.

اگر خداوند از کسی دو رکعت نمازش را قبول کند، او را عذاب نمی کند.^{۳۲}

➤ وسیله راندن شیطان

امام علی علیه السلام: «الصلوة حصن الرحمن و مدخره الشيطان.»

نماز قلعه خدای بسیار مهربان، و وسیله ای برای دور کردن شیطان است.^{۳۳}

➤ نورانیت منزل

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «نوروا منالکم بالصلاة و قرائه القرآن.»

به خانه هایتان با خواندن نماز، و قرائت قرآن، نورانیت ببخشید.^{۳۴}

➤ نماز وسیله خاموشی آتش ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ما من صلاة يحضر وقتها الا نادى ملك بين يدي الناس: الناس! قوموا

الى نيرانكم التي اوقدتموها على ظهوركم فاطفئوها بصلاتكم.»

هیچ نمازی نیست مگر اینکه چون وقت آن فرا می رسد فرشته ای در پیش روی مردمان ندا می کند: ای مردم!

برخیزید به سوی آتشی که بر پشت خود افروخته اید، تا آن را با نماز خویش خاموش کنید.^{۳۵}

➤ مونس نمازگذار در قبر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ان الصلاة تاتي الى الميت في قبر شخص انوار اللون يونسه في قبره و

يدفع عنه احوال البرزخ.»

نماز به صورت انسانی سفید چهره وارد قبر میت شده و با او انس می گیرد و وحشت های برزخ را از او بر طرف می

کند.^{۳۶}

➤ تاثیر انتظار نماز

امام صادق علیه السلام: «من اقام في مسجد بعد صلوته انتظار للصلوة فهو ضعيف الله و حق على الله ان يكرم ضيفه»

کسی که بعد از هر نماز در مسجد بایستد، در حالی که انتظار نماز بعدی را می کشد، پس او مهمان خداست، و

برخداست که مهمانش را اکرام کند.^{۳۷}

➤ شهادت زمین در قیامت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ما من رجل يجعل جبهته في بقعة من بقاع الارض الا شهدت له بها يوم

القيامة.»

هر انسانی که پیشانی خود را برای سجده بر قطعه ای از زمین بگذارد، آن زمین در روز قیامت به نفع او شهادت خواهد

داد.^{۳۸}

➤ نماز، وسیله تقرب بنده

امام رضا علیه السلام: (الصلوة) طلب الوصال الى الله من العبد.»

(نماز) مطالبه وصال و تقرب بنده به سوی خداوند است.^{۳۹}

^{۳۲} وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲.

^{۳۳} غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۹۹، چاپ دانشگاه.

^{۳۴} کنز العمل، ج ۱۵، ص ۳۹۲، حدیث ۴۱۵۱۸.

^{۳۵} محجبه البیضاء، ج ۱، ص ۳۳۹.

^{۳۶} لالی الاخبار، ج ۴، ص ۱. الحکم الزاهره، ص ۲۸۳.

^{۳۷} جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۷۸.

^{۳۸} وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۴، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۵.

^{۳۹} بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۴.

➤ رفع بلا به وسیله نمازگذار

امام صادق علیه السلام: « ان الله يدفع یصلی من شیعتنا عن لا یصلی م شیعتنا و لو اجمعوا علی ترک الصلوة لهلكوا.»
همانا خداوند به وسیله شیعیانی که نماز به جا می آورند، از شیعیان بی نماز (بلا) را دفع می کند، ولی اگر همه تارک نماز بودند، هر آینه همه هلاک می شدند.^{۴۰}

➤ نماز ناظر بر اعمال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: « الصلوة تنظر و لا تنظر بها»
برای نماز باید انتظار کشید ولی نماز را معطل کار دیگر نباید کرد.^{۴۱}

➤ توجه خدا به نمازگذار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: « اذا اقام العبد المومن فی صلاته نظر الله عز و جل الیه.»
وقتی که بنده مومن به نماز می ایستد، خداوند سبحان به او نظر می کند.^{۴۲}

^{۴۰} مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۴.

^{۴۱} مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۳.

^{۴۲} وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۱.

فصل چهارم اصول و قواعد کلی در دعوت به نماز

در دعوت دیگران به نماز اصول و قواعدی کلی وجود دارند که در چگونگی انجام فعالیت های مربوط به نماز نقش مهمی ایفا می کند.

۱. استمداد از خدا

دعوت به نماز و هر کار خیر دیگری، تنها با علم، تجربه، روانشناسی، استفاده از ابزار و فرمول ها انجام نمی شود؛ بلکه این کار مقدس باید از سرچشمه بی نهایتی گرفته شود.

حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال می خواهد که پس از خودش افرادی مبعوث شوند و مردم را به علم و تزکیه دعوت کنند: «ربنا و ابعث فیهم رسولا».^{۴۳}

او از خدا می خواهد که توفیق اقامه نماز را به خود و ذریه اش مرحمت کند: «رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء».^{۴۴}

نکته مهم این است که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند متعال برای نسل خود دو نعمت مهم را درخواست کرد:

۱- اقامه نماز؛ «رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی»؛

۲- رهبری مردم؛ همین که خداوند متعال فرمود: ای ابراهیم! من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم (انی جاعلک للناس اماما)، حضرت ابراهیم علیه السلام درخواست کرد که خدایا! این مقام را به نسل من هم بده (قال و من ذریتی).^{۴۵}

اگر ما این دو درخواست را کنار هم بگذاریم، به این نتیجه خواهیم رسید که وزن اقامه نماز برابر وزن رهبری امت است؛ چون پیامبر خدا، دو درخواست غیر متناسب از خدا نمی کند.

امام سجاد علیه السلام در دعایی از خدا می خواهد که زبان و نطقش به هدایت باز شود: «اللهم و انطقنی بالهدی»^{۴۶} و

حضرت موسی علیه السلام از خدا می خواهد که در کار دعوت به خدا، شرح سینه، آسانی امور و بیان روانی که مردم کلامش را به طور عمیق بفهمند، عنایت فرماید: «رب اشرح لی صدری...»

راز این طلب از خداوند آن است که دعوت کننده به حقیقی خواهد دست انسان ها را در دست خدا بگذارد و برای این

کار نیاز دارد که دست لطف خدا همراه انسان باشد. اگر از سوی او عنایتی نباشد، توفیقی به دست نمی آید؛ چرا که

هدایت به دست خداست و انسان واسطه ای بیش نیست.

۲. تداوم و تکرار دعوت

گاهی مخاطب مان با یکی دوبار تذکر، حرفی را نمی پذیرد؛ و برخی پس از چندین بار تذکر تاثیر می پذیرند؛ همان گونه که خرما، پس از تابش های پی در پی و مکرر خورشید می رسد.

در قرآن می خوانیم: «و کان یامر اهله بالصلاة».^{۴۷} در این آیه، عبارت «کان یامر» دلالت بر استمرار دارد. در جایی

دیگر نیز می خوانیم که خداوند متعال سفارش می کند که اهل خود را به نماز سفارش کن و مقاومت داشته باش: «و امر اهلک بالصلاة و اصطر علیها».^{۴۸}

^{۴۳} بقره: آیه ۱۲۹.

^{۴۴} ابراهیم: آیه ۴۰.

^{۴۵} بقره: آیه ۱۲۴.

^{۴۶} الصحیفه السجادیه، دعای ۲۰.

^{۴۷} مریم: آیه ۵۵.

^{۴۸} طه: آیه ۱۳۲.

نماز مسئله ای نیست که تنها در مقطعی از دوران تحصیل (ابتدایی، متوسطه یا عالی) به آن پرداخته شود؛ بلکه باید همانند اذان که شبانه روز تکرار می شود، در تمام سطوح (از مهد کودک تا بالاترین رده) به آن پرداخته شود و برای هر دوره ای، به تناسب فهم مخاطب مطالبی بیان گردد.

خداوند متعال نیز می فرماید: من یک حقیقت را با چند بیان و در چند موضوع قرار دادم: « و لقد صرفنا فی هذا القرآن»^{۴۹}؛ یعنی مطلبی را در قالب های مختلف و مکرر بیان کردم، تا شاید اثر کند. یکی دیگر از راه های تقویت روحیه مقاومت در انسان، یادبود افراد مقاوم است. خداوند می فرماید: « فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل »^{۵۰}؛ ای پیامبر! تو باید صبری همچون پیامبران اولوا العزم داشته باشی و باید با یاد آنان صبر خود را تقویت کنی.

راه دیگر کسب استقامت، توجه به پدش الهی است؛ در قرآن می خوانیم: « و العاقبة للمتقين»^{۵۱}. آنچه باعث دلگرمی در مقابل همه این بی مهری هاست؛ یکی آن است که کارهای ما زیر نظر خداست و خدا آنها را می بیند.

و دیگر اینکه پاداش دور از ذهن و درک ما به دعوت کنندگان و اجر فراوان به صابران و مقاومان می دهد و جایگاه دعوت کنندگان را بالا ترین جایگاه معرفی می کند: « و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله»^{۵۲}.

۳. آسان گیری

یکی از اصول اساسی در دعوت به نماز، آسان گیری است. قرآن می فرماید: ما وحی را آسان قرار دادیم تا به راحتی مردم متذکر شوند: « و لقد یسرنا القرآن للذکر»^{۵۳}. شعار اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله هم یک جمله کوتاه با سه حرف (الف، لاه و هاء) بود: «لا اله الا الله».

ایشان فرمود: « قولوا لا اله الا الله تفلحوا»^{۵۴}.

همچنین در قرآن کریم می خوانیم: خداوند متعال نسبت به شما اراده سخت گیری ندارد؛ بلکه اراده آسان گیری دارد: « یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»^{۵۵}.

در آموزش و در دعوت به حق، ما باید اساس را بر آسان گیری و آسان سازی قرار دهیم.

در قرآن کریم هم می خوانیم: همین که برادران یوسف علیه السلام از او عذرخواهی کردند. ایشان بدون درنگ فرمود: از همین الان هیچ گناهی بر شما نیست و همه برادران را یکجا بخشید؛ با این که باعث ده ها سال گرفتاری چاه و به بردگی فروخته شدن و فراق و کوری پدر و عشق زلیخا و تهمت و زندان و ... شده بودند. یک جا بخشید: « قال لا تشریب علیکم الیوم یغفرالله لکم و هو أرحم الراحمین»^{۵۶}. امام سجاد علیه السلام نیز در دعای مکارم الاخلاق می گوید: خدایا! مرا انسانی روان قرار بده: « و لین العریکه»^{۵۷}.

^{۴۹} اسراء: آیه ۴۱.

^{۵۰} احقاف: آیه ۳۵.

^{۵۱} اعراف: آیه ۱۲۸.

^{۵۲} فصلت: آیه ۳۳.

^{۵۳} قمر: آیه ۱۷.

^{۵۴} بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

^{۵۵} بقره: آیه ۱۸۵.

^{۵۶} یوسف: آیه ۹۲.

^{۵۷} الصحیفة السجادیة، دعای ۲۰.

۴. تقویت جرئت و شهامت

بسیاری از افراد که از انجام کارهای خیر محرومند، به علت ضعف اراده و جرئت است. انسان باید به جایی برسد که هیچ تزلزلی در خود راه ندهد. همان گونه که به پیامبران نسبت مجنون، ساحر، کاهن، شاعر و کذاب می دادند و به یاران آنان توهین می کردند و به کلام آنها افسانه و افترا می گفتند؛ ولی در آنان هیچ گونه تزلزلی پیدا نمی شد. در حدیث می خوانیم که مومن مثل کوه است؛ با این تفاوت که کوه ممکن است ریزش کند؛ ولی در مومن هرگز ریزشی نیست.^{۵۸} در تاریخ آمده است که جمعی از مشرکان مکه نزد ابوطالب صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: پسر برادر تو از نبوت سخن می گوید؛ ما حاضریم سرمایه و امکانات دل خواهش را در اختیارش بگذاریم تا دست از حرفش بردارد. ولی پاسخ پیامبر این بود که اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم بگذارید، از هدفم دست بر نمی دارم. در تربیت فرزند هم باید به جای اینکه به نوجوان خود القا کنیم که بچه نباید حرف بزند! از لقمان حکیم یاد بگیریم که به فرزندش می گفت: «یا بنی اقم الصلاة و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک إن ذلک من عزم الامور»^{۵۹}؛ فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی به تو می رسد مقاومت کن. این (صبر) از امور واجب و مهم است.

۵. ساده کردن امور

اصل دیگری در دعوت به کار خیر، ساده کردن کارهای خیر است. در دعوت به نماز نیز باید برنامه ها را ساده بگیریم تا همه شرکت کنند. در روایات هست که اگر کسی نیت صادق و خالصی نسبت به انجام کار خیر داشته باشد و به هر دلیل توانایی انجام آن را نداشته باشد، خداوند پاداش انجام آن کار خیر را به او می دهد: «نیة المؤمن خیر من عمله ... و کل عامل یعمل علی نیته»^{۶۰}.

۶. موضوع شناسی

در امر به معروف و نهی از منکر باید موضوع شناسی و مخاطب شناسی بصیرانه صورت گیرد. گاهی نرمی، و گاهی تندی لازم است.

۷. تکریم و هویت بخشی

قرآن می فرماید: «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات إلی النور و کان بالمومنین رحیماً»^{۶۱}؛ او کسی است که بر شما درود می فرستد و فرشتگان او (نیز بر شما درود می فرستند) تا شما را از تاریکی ها (کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات) به سوی نور (ایمان، تقوا، علم و وحدت) درآورند و او به مومنان مهربان است. راه دعوت مردم به دین، درود و رحمت است: «یصلی علیکم ... لیخرجکم». فرشتگان بر مومنان درود می فرستند: «یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم» و برای آنان استغفار می کنند: «و یستغفرون للذین آمنوا»^{۶۲}. حضرت ابراهیم صلی الله علیه و اله نیز همین که به ذبح فرزندش شد، برای تکریم و هویت بخشی فرزندش، این مسئله را با نوجوان خود مطرح کرد و از او خواست و فرمود: «فانظر ما ذاتری»^{۶۳}.

^{۵۸} الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱.

^{۵۹} لقمان: آیه ۱۷.

^{۶۰} الکافی، ج ۲، ص ۸۴.

^{۶۱} احزاب: آیه ۴۳.

^{۶۲} غافر: آیه ۷.

^{۶۳} صافات: آیه ۱۰۲.

به طور کلی اگر انسان به ویژه نسل نو خود را در جامعه عزیز و شریف احساس کرد، به کارهای سبک نمی پردازند: «من کرمت علیه نفسه لم يهتها بالمعصية».^{۶۴}

۸. توجه به نشاط و آمادگی مخاطب

در دعوت به نماز باید به آمادگی و نشاط مخاطب توجه کرد؛ زیرا حالت های انسان متفاوت است. بنابراین باید زمینه مناسب را فراهم کرد.

دعوت کننده باید بداند که گاهی قلب آمادگی روی آوردن به حق را دارد و گاهی این چنین نیست. بنابراین باید از حالت اشتیاق و اقبال استفاده کرد؛ زیرا در برخی حالات که آمادگی روحی وجود ندارد، اگر سخنی بر قلب تحمیل شود، آن را کور خواهد کرد: «إن القلب اذا اكره عمى».^{۶۵}

^{۶۴} غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۳۴

^{۶۵} نهج البلاغه، (صبحی سالم)، ص ۷۵۹.

فصل پنجم راهکارهای عملی تشویق به نماز

یکی از حساس ترین مسائل تربیتی، تربیت دینی کودکان و نوجوانان است. از نظر اسلام این تربیت باید قبل از تولد شروع شده و از بعد از تولد در سنین کودکی و نوجوانی ادامه یابد. امام صادق علیه السلام می فرماید: « ما کودکان خود را از سن پنج سالگی به نماز، و ما می داریم، شما نیز کودکان خود را از سن هفت سالگی، امر به نماز کنید.»

جهت سنین (۷-۱۲) ساله ها یا کودکان

۱. یاد دادن نماز به آنها.
۲. دادن جایزه به کودکان فقط به خاطر برگزاری نماز، اعم از مرتب خواندن، درست خواندن و به موقع خواندن نماز.
۳. بردن کودکان به مساجد و مراسم نماز توسط والدین که به صورت عادت در بیاید.
۴. راحت نمودن و راحت کردن نماز برای نمازگزار کودک.
۵. ارزش دادن و تشویق لفظی او در جمع دوستان و آشنایان.

جهت سنین (۱۳-۱۹) ساله ها یا نوجوانان

۱. آشنا کردن آنها به فواید نماز.
۲. عملی (پدر و مادر و سایر بزرگان خودشان می بایست نمازخوان باشند).
۳. تفهیم این امر به نوجوان که نماز وظیفه یک مسلمان است و نشانه مسلمانی است.
۴. آشنا کردن با معنا و مفاهیم نماز.
۵. اصرار نکردن زیاد و عدم تکرار، که در غیر این صورت نتیجه معکوس خواهد داشت. زیرا پراگویی و مکررگویی کسالت آور است.
۶. سفارش کردن به نماز با آرامش و بیان منطقی و مستدل برای اقامه نماز.
۷. ذکر دلیل و فلسفه برای تک تک ارکان و اذکار نماز و عدم القاء نماز به صورت آمرانه و کورکورانه.
۸. برگزاری مسابقات و در نظر گرفتن جوایز نفیس برای برندگان مسابقات نماز.

جهت سنین جوانی (۲۰-۳۰) ساله ها

۱. ملموس کردن نتایج منفی و فواید نماز. مثلا ذکر موفقیت افرادی که نمازخوان هستند و یا عدم موفقیت افرادی که در عین حال نماز نمی خوانند.
۲. سعی در معرفی و پیدا کردن دوستان موفق برای جوان که اهل نماز نیز باشند، به ویژه اینکه الگوپذیری جوان از جوان آسان تر و بهتر است.
۳. نماز را به صورت عادت و سنت درآوردن.
۴. بیان فواید نماز از جمله، ایجاد منظم و برنامه، بهداشت جسمی و روانی، نوعی ورزش و امانتداری و ...
۵. القاء و اغناء این نکته که بهترین راه حل برای شکر گذاری از خداوند اقامه نماز است.
۶. بیان حکمت و فلسفه و فایده نماز از قول پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام.
۷. فراهم کردن امکانات برگزاری نماز مثل جا و سایر ملزومات.
۸. بهره گیری از زمان و مکان جهت تبلیغ نماز به نحو احسن.

۹. سفارش به این نکته که نماز اول وقت مصونیت به همراه دارد.
۱۰. پیراسته کردن فضای مسجد و نمازخانه و ...
۱۱. سعی کنیم در برقرای ارتباط با نسل جوان فقط توجه نکنیم بلکه ابتدا همدلی سپس توصیه نماییم.
۱۲. حذف زواید و اضافات نماز و دنباله های آن به ویژه در نمازهای جماعت به دو دلیل. نخست از جهت جسمانی، شاید برخی قادر به ادامه نماز نباشند. دوم شاید آشنا به انواع دعا و تعقیبات نماز نباشند که در هر دو مورد احتمال شرمنگی برای فرد وجود دارد.

پدر و مادرها الگو هستند

کودک راه و رسم زندگی را در مرحله ی اول از پدر و مادرش یاد می گیرد، البته مربیان کودک یا معلم ها هم اگر فقط به آموزش رسمی دانش آموزان اکتفا نکنند، می توانند نقش الگو را برای رشد اخلاقی او ایفا کنند. ولی خانواده، هم مهم ترین سهم را در الگو پذیری کودکان دارد. بنابراین هنگامی که پدر و مادر نماز نخوانند و از فرزندشان بخواهند که خواندن نماز را فراموش نکند، یک علامت سوال بزرگ در ذهن او ایجاد کرده اند.

دین و مذهب یک موضوع اجتماعی است و اولین و مهم ترین اجتماع برای کودک، خانواده است. اگر کودک چنین برداشت کند که پیروی از دین فقط کار کودکان است دین با زندگی بزرگسالان اصلاً ارتباط ندارد یا کمی ارتباط دارد، در گذر از دوران کودکی و جوانی و ورود به بزرگسالی، به دنبال الگوی والدین خود خواهد رفت و سرعت خود را از قید و بند دین رها می کند و اعمال دینی را نیز کنار می گذارد.^{۶۶}

فرصت مناسب جهت تقویت ایمان در فرزندان

کودک قبل از آن که عقلش به فعلیت برسد و قدرت درک مطالب علمی داشته باشد، فطرت توحیدی و عواطف اخلاقی در ضمیر او فعالیت دارد و برای پذیرش تربیت آماده است.

لازم است پدر و مادر، به ارزش این فرصت مهم، توجه داشته باشند و از بیداری فطرت ایمان و احساسات کودک، حداکثر استفاده را بنمایند، و از آغاز کودکی در روان وی ایمان به خدا و ارزش های اخلاقی را پرورش دهند و پیش از آن که عقلش به خوبی شکفته شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی قدم بردارد، طفلی پاک نهاد و با ایمان، خوش اخلاق و مورد اعتماد، بار آمده باشد.

بشر قبل از آن که در راه اثبات وجود خداوند از نیروی عقل استفاده کند فطرت او به خداوند جهان متوجه است. برای ایجاد حس ایمان در کودک، استدلال های عقلی ضرورت ندارد. تنها نیروی فطری و شناخت طبیعی که در نهاد خود اوست، برای پرورش ایمان کافی است.

طفل را با تکیه بر سرشت فطری خودش، می توان به آسانی خداپرست بار آورد و او را به پروردگار خالق و مهربان، مومن و معتقد نمود. هم چنین برای پرورش راست گویی، درست کاری، محبت، مهربانی، وظیفه شناسی، انصاف، کمک به دیگران و خلاصه ریشه و اساس موضوعات اخلاقی، استدلال های علمی ضرورت ندارد، کودک را می توان به آن صفات تربیت کرد و از اول او را به کارهای نیک و پسندیده عادت داد.

پرورش صحیح احساسات پایه ی اساسی رشد روان است. رسیدن به سعادت و کمال لایق انسانی، بدون پرورش ایمان و سجایای اخلاقی ممکن نیست و اساس آن در دوران کودکی پی ریزی می شود.

^{۶۶} چگونه ارزش ها را به فرزندانمان منتقل کنیم، سپیده خلیلی، ص ۷۷.

مذهب بزرگترین یار و یاور کودکان است. ایمان و اعتقاد چون مشعلی است که راه های تربیت را روشن می کند، وجدان را بیدار می سازد و به راستی رهبری می نماید. آن چه انسان را به سرنوشت بالا می رساند فطرت پاک اوست نه عقل، و آن را با رنج و شوق بیشتر رشد می دهد، بسیاری از افراد امروزی آن قدر به زندگی حیوانی نزدیک شده اند، که همیشه جویای ارزش های مادی هستند، بدان جهت که زندگی آنان کم مایه تر از حیوان است، زیرا از ارزش های معنوی به ما روشنایی و شادی می بخشد، محروم مانده اند.

ضرورت حس اخلاقی کمتر از لزوم حس بینایی و شنوایی نیست. باید عادت کنیم، تا همان اندازه که نور را از ظلمت و صدا را از سکوت جدا می کنیم، خوبی را از بدی تمیز دهیم و آن گاه از بدی پرهیز و به خوبی نزدیک شویم، رشد انسان وقتی است که از فرودگاه جسم، روح و روان به پرواز در آید و اوج گیرد.

پرورش ایمان و اخلاق پسندیده در دوران کودکی، یکی از حقوق فرزندان، در آیین اسلام است و در این باره روایات بسیاری رسیده است.^{۶۷}

حضرت سجاد علیه السلام در ضمن حقوق فرزند فرموده است:

" و اما حق ولدک فتعلم انه منک و مضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شره و انک مسئول عما ولیته من حسن الادب و الدلاله علی ربه و المعونه له علی طاعتک فیک و فی نفسه فمثاب علی ذلک و معاقب فاعمل فی امره عمل المتزین بحسن اثره علیه فی عاجل الدنیا المعذر الی ربه فیما بینک و بینه بحسن القيام علیه و الاخذ له منه ولا قوه الا بالله." اما حق فرزند تو این است که بدانی هستی او از وجود توست و نیک و بد او در این دنیا به تو منسوب می باشد و از آن جهت که سرپرستی او را به عهده داری موظفی به او ادب نیکو بیاموزی و او را به سوی پروردگارش هدایت نمایی، بر اطاعت حق تعالی یاریش کنی. این موجب می شود که در نزد خدا پاداش و اجری داشته باشی. اما اگر در این امر مسامحه و سستی کنی مورد عقاب الهی قرار خواهی گرفت. بنابراین لازم است چنان تربیت کنی که به سبب تاثیر نیکوئی که بر او داشته ای مایه ی زینت و خوش نامی تو باشد و به جهت این که وظایف نسبت به او را به خوبی انجام داده ای و نتیجه الهی از او گرفته ای، نزد پروردگارت معذور باشی (ولا قوه الا بالله).

حضرت امام سجاد علیه السلام در این فراز رساله ی حقوق، روی سخن را متوجه پدران و مادران فرموده و حقوقی را که از جانب فرزندان بر عهده ی آنهاست متذکر می شوند. آن حضرت ابتدا این نکته را خاطر نشان می شوند که نیکی و بدی فرزندان در این دنیا به والدین آنها نسبت داده می شود؛ یعنی با این که شرایط و مقتضیات اجتماعی و همچنین اراده خود شخص در تکوین شخصیت او نقش مهمی ایفا می کند، ولی نقش والدین در پرورش فرزندان تا آن حد تعیین کننده است که دیگران غالباً نیکی و بدی و صلاح و فساد فرزند را به آنها نسبت می دهند. پس از این یادآوری مهم، امام علیه السلام وظیفه و مسئولیت والدین نسبت به فرزندان را در سه عبارت کوتاه بیان می فرماید: ادب نیکو آموختن، راهنمایی به سوی پروردگار و یاری دادن فرزند در اطاعت حق تعالی.

در توضیح این وظایف باید گفت که اساساً هدف از آفرینش انسان، معرفت نسبت به خداوند متعال و کسب صفات حسنه و دوری از صفات رذیله و اطاعت و بندگی او و تقرب نسبت به اوست و سعادت و نیک بختی آدمی در گرو تحقق این اهداف ارزشمند است. اما بهترین و موثرترین شیوه برای تحقق این اهداف، این است که انسان از کودکی با این مفاهیم و ارزش ها آشنا شود و زمینه های رسیدن به این معارف و کمالات در او، فراهم گردد. زیرا انسان در سنین کودکی از روحی لطیف و حساس و فطرت پاک برخوردار است و برای فراگیری آنچه به او آموخته می شود، ذهنی آماده و فعال دارد. بکر بودن و شفافیت ذهنی در این سنین موجب می شود که آنچه کودک دریافت می کند و می آموزد، به خوبی جذب شده و با ساختمان ادراکی و عاطفی او عجین گردد. در این رابطه حضرت علی علیه السلام می فرماید:

^{۶۷} نقش نماز در زندگی، کبری حیدری، ص ۳۶-۴۰.

"العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر"؛ علمی که در کودکی آموخته شود (از جهت ثبات ودوام) مانند نقشی است که بر سنگ کنده شود.^{۶۸}

از این رو والدین می بایست با استمداد از خداوند متعال و با استفاده از اصول و شیوه های صحیح تربیتی و متناسب با سنین مختلف، ایمان و تقوای الهی را از اوایل کودکی در قلب فرزندان جایگزین ساخته و آنان را با اخلاق و سنن و احکام اسلامی آشنا نمایند. بحث تربیت و شیوه های تربیتی در اسلام، بحثی بسیار حساس و دامنه دار است. پدران و مادران باید بیش از توجه به سلامتی و تغذیه جسمانی فرزندان، به تغذیه و سلامتی روح و روان آنها که ما در اینجا به ذکر دو نکته مهم اکتفا می کنیم، توجه نمایند.

آنها باید بدانند همان طور که جسم کودک دارای نیازهای مختلف بوده و در معرض ابتلا به بیماری های بسیاری است، روح او نیز خواسته ها و نیازهایی به مراتب مهم تر و گسترده تر دارد و به بیماری هایی بسار خطرناک تر مبتلا خواهد شد. بیماری هایی از قبیل خود کم بینی، حسادت، کینه توزی و امثال این، که به مرور زمان روح کودک را آلوده کرده و از انسانی افسرده و رنجور و یا موجودی پرخاشگر و خودخواه خواهد ساخت. در اینجا به بعضی از نکات تربیتی اشاره می شود :

۱. توجه داشته باشند که سهم عظیمی از شخصیت فرزند آنها در محیط خانواده و تحت تاثیر رفتارها و برخوردهای اطرافیان به ویژه والدین شکل می گیرد. در خانواده ای که رفتارها و حرکات بزرگترها بر مبنای احترام، ادب، تواضع، تقوا، عفت، صداقت، عزت نفس، بزرگواری، ایثار و فداکاری بشود، فرزندان آن ها نیز انسان هایی مودب و اگر خودخواهی، تفاخر، بی تقوایی، دروئی و بی عفتی باشد، محصولات آن نیز افرادی بی ادب، تندخو، بی حیا، مغرور و بی تقوا خواهند بود. لذا اولین گام در مسیر یک تربیت صحیح معنوی الهی این است که والدین یک بازنگری اساسی در اخلاق و اعمال خود داشته باشند یعنی اعتقادات و اخلاق و رفتار و کردار خود را به یک فرد مختص و متعهد عرضه بدارند و چنان چه هر گونه ضعف و گناه و بدآموزی در اعتقادات و اخلاق و عملکرد خود مشاهده نمودند، با استمداد از خداوند بی درنگ درصدد رفع آن برآیند، بنابراین تکرار می کنیم در این خصوص شایسته است که هر یک از والدین از اشخاص دارای صلاحیت بخواهند تا آنها را نسبت به عیوب خود آگاه گردانند. زیرا عیوب و نارسایی های هر کسی را غالباً دیگران بهتر از خود او تشخیص می دهند چون انسان خود را دوست می دارد و عیب خود را نمی بیند.

۲. والدین هم چنان که محیط خانواده را جهت پرورش صحیح فرزندان خود مهیا می سازند می بایست معاشرت ها و برخورد های آنها را با دیگران (اعم از محله و مدرسه و خویشاوندان) تحت نظارت دقیق و صحیح داشته باشند. این گونه معاشرت ها به نوبه خود نقش موثری در ساختن شخصیت فرزندان دارد. بلکه گاهی تاثیری که یک دوست و همبازی بر رفتار و شخصیت آنها دارد به مراتب بیش از تاثیر والدین بر آنهاست.

۳. والدین که متکلف معیشت خانواده هستند می بایست کاملاً مراقب باشند، غذایی که برای فرزندان خود تهیه می کنند مباح باشد.

^{۶۸} کنزالفوائد، ج ۱، ص ۳۱۹.

هشدار تربیتی

بر اساس فرمایش حضرت سجاد علیه السلام بزرگترین حق فرزند بر پدر و مادرش، تعلیم و تربیت است که آموزش نماز نیز در این حوزه قرار می گیرد.

ما اگر خواهان سعادت و خوشبختی ابدی فرزندانمان هستیم، باید آنان را بر اساس تعالیم صحیح دینی تربیت کنیم و عقاید و احکام و اخلاق اسلام را در زمان مناسب به آنان تعلیم دهیم.

بی توجهی به این مساله ی مهم و یا تاخیر در آموزش برنامه های دینی به فرزند، لطمه های جبران ناپذیری به سعادت او وارد می سازد. عقیده ی باطلی در زمینه ی زمان و چگونگی آموزش تعالیم دینی در میان بعضی از افراد رایج است که ساخته و پرداخته ی اندیشه و عمل "بیگانگان نیرنگ باز" و باورهای جاهلانه ی "خودی های خود باخته" است مبنی بر اینکه "به کودک و نوجوان هیچ گونه عقیده و مذهبی را نباید تعلیم داد و آموزش هر گونه عقیده و مذهبی، خلاف حقوق بشری و آزادی است؛ بلکه باید او را آزاد گذاشت تا بزرگ شده و دین و مسلکی را بر مبنای شناخت خودش انتخاب کند...".

ظاهر این سخن، زیبا و روشنفکرانه است و همین ظاهر زیبا باعث فریب ظاهرینان می شود و به عمق آن پی نمی برند؛ از این رو آن را پذیرفته و تبلیغ هم می کنند، اما اگر این نقاب فریب را از چهره اش بر داریم، حقیقت تلخی برایمان آشکار می گردد.

هر کس اندک آگاهی از مسائل تعلیم و تربیت داشته باشد می داند که بهترین و مناسب ترین زمان تعلیم و تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است و هر تعلیم و تربیتی که در این دوران حساس به انسان داده شود، در جانش رسوخ کرده و جزء وجودش می شود.

اما اگر کودک، دوران کودکی و سپس نوجوانی را بگذرانند، دیگر فرصت از دست خواهد رفت و شخصیت او شکل گرفته است. آن گاه ایجاد هرگونه تغییری در تربیتش کاری بسیار مشکل است. هنگامی که انسان به سن بلوغ و رشد برسد، تعالیم و عادات و افکار فراوانی را از محیط اطرافش گرفته و سرشت او ساخته شده و ظرفیتش تکمیل گردیده یا نزدیک تکمیل است. بنابراین مفاهیم تازه در ظرف جانش لبریز شده و این آموزه ها یا در آینه ی وجود او منعکس نمی شود و یا انعکاسی کم رنگ و بی دوام خواهد داشت.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: "بادروا احداثکم بالحديث قبل ان تسبقکم اليهم المرجئه"؛ به تعلیم حدیث و معارف دینی فرزندان نونهال تان اقدام کنید، قبل از آن که مرجئه (منحرفان) بر شما سبقت بگیرند (و عقیده ی آنان را منحرف کنند).

بنا براین، آموزش نماز و همچنین سایر عبادات نیز از دوران کودکی شروع شود. البته مطابق ظرفیت و درک و فهم فرزندان خود آموزش داده شوند و با اعمال خود اسلام صحیح را به نوجوانان خود بنمایانیم.^{۶۹}

^{۶۹} هشدارهای تربیتی، علی اکبر مظاهری، ص ۱۲۶-۱۲۷.

کودکان از چه زمانی و چگونه نماز بخوانند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: "فرزندان هفت ساله تان را به نماز وادار کنید و نه سالگان را اگر ترک نماز نمود او را تادیب کنید."^{۷۰}

شیوه ی تدریجی در تربیت، سنتی است که در اسلام هم، به ویژه در عبادات، مطرح است. امام صادق علیه السلام می فرماید: کودک را سه سال آزاد بگذار، پس از سه سال، جمله ی "لا اله الا الله" را هفت بار، به او تعلیم بده.

همین که سه سال و هفت ماه و بیست روز شد، دومین جمله ای که می آموزی "محمد رسول الله" باشد. همین که چهار سال تمام شد، صلوات بر پیامبر آموزش داده شود.

در پنج سالگی کودک، که قدرت تشخیص دست راست و چپ را یافت، او را به قبله قرار ده و به او سجده بیاموز. در پایان سال ششم، نماز و رکوع و سجود را آموزش بده.

در پایان سال هفتم، شستن دست و صورت را بیاموز.

در پایان سال نهم، مساله نماز را جدی گرفته و اگر سرکشی کرد با او برخورد تنبیه آمیز داشته باش.^{۷۱}

عبادات تمرینی کودک و دعا و نیایش کودک در پیشگاه خداوند، اثر درخشانی در روان طفل می گذارد. ممکن است کودک الفاظ و عبارات نماز را نفهمد ولی معنی توجه به خدا، راز و نیاز با خدا، استمداد از خدا، عرض دعا و تمنا از خداوند را در عالم کودکی درک می کند و امیدوار بار می آید. دلش به خداوند و رحمت نامحدود او مطمئن می شود، در باطن خویش تکیه گاهی برای خود حس می کند، آن حالت امیدواری و اطمینان، آن توجه به قدرت نامحدود الهی، بزرگترین سرمایه ی سعادت در تمام دوران زندگی او خواهد بود.

در مواقع سخت، در پیش آمدهای ناگوار می تواند از آن نیروی نهانی استفاده کند، به آن تکیه کرده، مطمئن باشد و در فراز و نشیب زندگی، با خاطری آرام شخصیت خود را حفظ کند.^{۷۲}

در تربیت فرزندان و آشنا کردن آنها با نماز، تشویق نقش مهمی دارد. هنگامی که معصومین علیه السلام می گویند فرزندان را تا ۷ سالگی به خواندن نماز وادارید برای این است که در هنگام وجوب نماز در خود احساس سنکینی نکنند، ولی بهترین راه برای رسیدن به این هدف تشویق فرزندان است که روح انسان، تشنه ی تشویق است. این تشویق ها باید سازمان دهی خاصی داشته باشد برای مثال در مقابل انجام نماز هدایایی که مورد علاقه ی فرزندان است تهیه کنند تا آنها بدانند که نماز برکات زیادی دارد و این هدایا نیز از برکات نماز است.

راه های تشویق جوانان به نماز:

تلاش برای آشنا ساختن دیگران با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او، از برجسته ترین و متعالی ترین امور است. برای ترغیب و تشویق به نماز:

ا. در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داد و در اصلاح آن کوشید.

^{۷۰} سفیته البحار، عباس قمی، ج ۲، ص ۲۵.

^{۷۱} وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

^{۷۲} نقش نماز در زندگی، حیدری، ص ۴۲.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، معاد و ... اموری است که نتیجه مستقیم بر عمل کرد فرد دارد. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده ی توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز یابد.

در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی، انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است:

"انا لله و انا الیه راجعون؛ از خداییم و به سوی او باز می گردیم".^{۷۳}

حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان می آید، تا او را از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم ترین آنها "نماز" است: "اقم الصلاة لذكرك؛ نماز را برای یاد من به پا دار".^{۷۴}

آدمی بدون نماز راه را گم خواهد کرد. نمازهای پنج گانه، همانند چراغ های برق هستند که مسیری طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود.

آنچه که موجب می گردد برخی از نماز روی گردان باشند و یا نسبت به آن سهل انگاری کنند، ندانستن فلسفه نماز و یا درکی غلط از آن است. برخی چنین می پندارند که نماز انسان، نیازی را از خداوند برطرف می کند که البته خیالی واهی است. خداوند نیازی به هیچ مخلوقی ندارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تاکید شده، جملگی در جهت کمال انسان است. نماز دارای آثار و فلسفه های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم:

(۱) نماز، تقدیر و سپاس گزاری از خداوند است.

(۲) موجب آرامش انسان است.

(۳) موجب یاد خدا است.

(۴) نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند.

(۵) تاکید بر نظافت و سلامتی است.

(۶) موجب انضباط و وقت شناسی است.

(۷) دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است.

ب بیان فلسفه و اسرار نماز به اندازه فهم هر شخص؛ مثلاً به او گفت که اگر کسی به شما خدمتی هر چند کوچک انجام دهد، از او تشکر می کنید و یا اگر کسی شما را به مهمانی دعوت کرد و انواع غذا ها و میوه ها و شیرینی ها را برای شما فراهم و همه گونه از شما پذیرایی نمود، از او تشکر و قدردانی می کنید و اگر بدون این که یک کلمه از او سپاس گذاری کنید، از منزل او خارج شوید، همه کسانی که این برخورد را می بینند، شما را سرزنش می کنند. حال خداوند عالم که همه چیز از او است؛ و نه تنها هستی ما از اوست؛ بلکه تمام این نعمت های گوناگون را برای ما آفریده است و در سختی ها و مریضی ها و مشکلات ما را کمک می کند و نجات می بخشد، همیشه بر سر سفره کرم او مهمان هستیم، تشکر نمی خواهد؟ نماز و عبادات ما تشکر بسیار ناچیز از خدای عالم است؛ گرچه او به این تشکر نیاز ندارد و سود آن عاید خود ما می شود. به طور کلی از این راه ها برای تشویق کودکان و نوجوانان می توانید بهره بگیرید:

(۱) تشویق کودکان و نوجوانان هنگامی که نماز می خوانند.

(۲) تهیه لباس مخصوص و سجاده و تسبیح زیبا و یا برای دختر بچه ها مقنعه و چادر مناسب.

^{۷۳} بقره: آیه ۱۵۶.

^{۷۴} طه: آیه ۱۴.

- ۳) تشکیل نماز جماعت در منزل و یا بردن بچه ها به مساجد. از جابر نقل شده است: "از امام باقر علیه السلام در مورد کودکانی که در نماز جماعت شرکت می کنند سوال کردم، امام علیه السلام فرمود: آنان را از صف های جلو به قسمت عقب صف نماز جماعت نفرستید، بلکه آنان را در میان بزرگسالان پراکنده سازید.
- ۴) نقل قصه ها داستان های شیرین در حد فهم آنان از نماز بزرگان و اشعار و احادیث زیبا در این باره.
- ۵) ترک مستحبات در ابتدای کار، طول ندادن نماز و رعایت توانایی کودکان و جوانان.
- ۶) رعایت نظافت محل نماز و بردن آنها در مساجدی که نظیف است و جلب توجه می کند.
- ۷) خود مربیان به نماز اهمیت بدهند و در اول وقت آمادگی خود را نشان دهند.
- ۸) بیان عظمت نماز و این که از هر کاری اهمیت آن بیشتر است.
- ۹) آنها را از مصاحبت با افراد بی نماز و یا آنانی که به نماز اهمیت نمی دهند دور نگاه داشتن.
- ۱۰) فراهم کردن فیلم های نمایشی درباره نماز و کتاب هایی که در مورد نماز است.

ج عشق و علاقه به اهل بیت علیهم السلام، یکی از راه های جلب انسان به عبادت و نماز است^{۷۵}؛ اصولاً نماز از ضروریات بوده و از آن به عنوان عمود دین یاد می شود (الصلاة عمود الدین). از همین رو امام باقر علیه السلام می فرماید: "اول ما یحاسب به العبد الصلاة فان قبلت قبل ما سواها؛ در قیامت اولین چیزی که از انسان محاسبه می شود، نماز است، که اگر مورد قبول قرار گرفت، دیگر اعمال نیک انسان نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت"^{۷۶}.

حال کسی که به ائمه علیهم السلام عشق می ورزد، شایسته است به جلوه های رفتاری آن بزرگواران توجه نموده و از آنان الهام گیرد. امام علی علیه السلام به قدری به نماز مقید بودند که حتی در جنگ صفین شور نماز در دلش موج می زد و مراقب وقت زوال بودند. سید الشهداء علیه السلام هنگام عصر تاسوعا، به حضرت ابوالفضل علیه السلام فرمود: به این قوم بگو، امشب را که شب عاشورا است به من مهلت بدهند، برای این که خدای سبحان می داند "انی احب الصلاة"^{۷۷} من نماز برای خدا را دوست دارم. نماز محبوب من است، نه این که من نماز خوان هستم. (این اعمال صوری و ظاهری را که همه دارند. آداب نماز هم که میسور خیلی هاست) یعنی، آن باطن و حقیقت نماز محبوب من است. من نماز را دوست دارم و می خوانم از دوستم وداع کنم.^{۷۸}

چگونه می توانیم با نماز انس بگیریم؟

به نظر می رسد ما وقتی با نماز انس می گیریم که نخواهیم فقط وقت نماز بنده خدا باشیم و در سایر اوقات برده هوا و هوس و دنیا، اگر در اوقات دیگر شبانه روز هم در ارتباط با خدا بودیم و در فضای عبودت خدا نفس کشیدیم و گام برداشتیم، با نماز، هم سنخ و مانوس خواهیم بود؛ چرا که در اوقات دیگر هم مشغول عبادت و ارتباط با خدا به وسیله انجام دادن واجبات و ترک محرمات و پرهیز از غفلت ها هستیم و آنها هم خود نوعی نماز است. در این صورت انس با نماز حاصل می شود.^{۷۹}

^{۷۵} ۱۱۰ پرسش و پاسخ درباره ی نماز، مجتبی کلباسی، ص ۳۳-۳۸.

^{۷۶} بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷، ص ۲۶۷.

^{۷۷} مقتل الحسین مرقم، ص ۲۳۲.

^{۷۸} حکمت عبادات، عبدالله جوادی عاملی، ص ۱۲۳.

^{۷۹} ۱۱۰ پرسش و پاسخ درباره ی نماز ، کلباسی، ص ۳۸.

چند نکته:

- ۱) تعلیم مسائل دینی به کودکان و نوجوانان و آشنا کردن آنها با عبادت، باید همراه با محبت و احترام باشد تا در جانشان تاثیر نیکو بر جای بگذارد.
- ۲) در امور دینی و عبادت ها باید توان کودکان و نوجوانان را در نظر گرفت و هرگز نباید بیش از ظرفیتشان چیزی را بر آنان تحمیل کرد.
- زیاده روی و سختگیری بی جا، آثار بسیار بدی در روحیه ی لطیف آنان باقی می گذارد و سبب می شود که نسبت به اصل دین و عبادت، بی زار و بد بین شوند.
- ۳) هنگامی که نوجوانان به سن تکلیف شرعی رسیدند، باید واجبات را انجام دهند؛ اما درباره ی مستحبات نباید تحمیل و فشاری بر آنان وارد گردد؛ بلکه با محبت و ملایمت باید زمینه ی انجام مستحبات را در آنان تقویت کرد.
- ۴) تشویق و جایزه، نقش بسزایی در تعلیم مسائل دینی و انجام عبادت ها دارد و تاثیر و خاطره ی نیکویی در دوران نونهالان به جای می گذارد.^{۸۰}

نماز و نجات جوانان

نکته ای که قابل توجه است، بعضی فکر می کنند اگر انسان گناهی از وی سر زد و یا کار زشتی انجام داد، دیگر فایده ندارد نماز بخواند، باخودش می گوید من که مشغول گناه هستم دیگر چرا نماز بخوانم و نماز چه تاثیری دارد، چرا مانع گناه من نمی شود؟ جواب این را هم قرآن مجید و هم روایات می دهد این که قرآن مجید فرمود: "نماز انسان را از زشتی ها و منکرات باز می دارد" این قطعی است، ولی زمان آن بستگی به طریق نماز خواندن ما دارد، هرچه نماز با حضور قلب باشد تاثیرش بیشتر است.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: "ان الله تعالی یباهی بالشباب العابد الملائکه یقول: انظرو الی عبدی! ترک شهوته من اجلی"؛ خدا به وجود جوان اهل عبادت بر فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید: بنده ی مرا ببینید! به خاطر من چگونه از لذت جسمانی خود گذشته است.^{۸۱}

آسیب ها و موانع دعوت

بایستی دقت کنیم که در دعوت به نماز مواقعی است که ابتدا باید آن را برطرف کنیم وگرنه کارهایمان خنثی می شود.

۱. اقدامات نا به هنگام
۲. رفتار والدین و نمازگذاران
۳. رها شدن دعوت (دعوت های مقطعی)
۴. شیطان
۵. برنامه های صدا و سیما

^{۸۰} هشدار های تربیتی، مظاهری، ص ۱۳۱.

^{۸۱} میزان الحکمه، محمد ری شهری، ج ۵، ص ۶.

نتیجه گیری

از آن جا که نماز پایه و ستون دین است و همه ی ما در برابر نماز مسئول هستیم، هم در برابر نماز خودمان و هم خانواده و فرزندان خویش، باید حق نماز را ادا نموده و سعی کنیم لذت خواندن نمازی با حضور قلب و همچنین درک مفاهیم عمیق آن را بجشیم و این شهد شیرین را به فرزندان خود و جوانان این وطن بچشانیم. و باید بدانیم که این مسئولیت در مرحله ی نخست بر دوش مادران و پدران است زیرا خانه و خانواده قبل از مدرسه و جامعه، اولین کانون تربیت کودکان و جوانان است و والدین بهترین همراه و مربی هستند. پس از خانواده معلمان و مربیان مدارس در آموزش مفاهیم دینی از جمله نماز نقش دارند، بنا براین معلمان می توانند با به کارگیری روش های متنوع و جذاب در قالب داستان گویی، مسابقه، بازی، کاردستی و با گفتاری روان، به دور از مباحث غیر ضروری، مفاهیم والای نماز را به آنها آموزش دهند. امروزه که جوانان کمتر به مطالب کلی و جامع علاقه نشان می دهند مربیان باید در حد امکان به صورت خلاصه و متناسب با علایق آنها روش هایی را به کار گیرند.

" امید است همانگونه که سالار شهیدان سر حلقه ی عاشقان امید عارفان و عشق محبان، نوای بی نوایان و یار مستمندان، دوی درد دردمندان حضرت حسین ابن علی علیه السلام در ظهر عاشورا در آن لحظه ای که ابو ثمامه ی صیداوی از حضرت خواست نماز ظهر را در آن باران اسلحه در حال جماعت با آن حضرت به جای آورد و آن جناب به او فرمود: " خداوند تورا جزو نمازگزاران محسوب بدارد"، همه ی ما و فرزندان ما را موفق به نماز واقعی و در قیامت کبری در صف نمازگزاران قرار دهد."

منابع

- قرآن کریم
المفردات فی غریب، راغب اصفهانی
المیزان فی تفسیر القرآن
تفسیر موضوعی قرآن کریم، جوادی آملی
نهج البلاغه
نهج الفصاحه
سایت مرکز جهانی سبطين (ع)
شیوه های دعوت به نماز، محسن قرائتی
www.fa.shafaqna.com
نماز و آثار فرهنگی، سیاس، اجتماعی آن، ابولفضل حسن نژاد
راز نماز، محسن قرائتی
راز نماز، بی آزار شیرازی
پرواز در ملکوت، امام خمینی
از ژرفای نماز، آیت الله خامنه‌ای
این است نقش عبادات، محمد باقر صدر
کتاب «پرتوی از اسرار نماز»، استاد قرائتی
۴۰ نکته پزشکی پیرامون نماز، دکتر مجید ملک مهری
نقش نماز در زندگی، قم: نورالسجاد، کبری حیدری
۱۱۰ پرسش و پاسخ درباره ی نماز، تهران: ستاد اقامه نماز، مجتبی کلباسی
میزان الحکمه، محمد ری شهری
حکمت عبادات، عبدالله جوادی آملی
بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷.
وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۵.
سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲.
www.TarvijeQuran.com